جشن یک‌سالگی مسابقه دوراهی در رادیو

جشن یک‌سالگی مسابقه «دوراهی» رادیو صبا با حضور پیشکسوتان رادیو برگزار می‌شود. به گزارش روابط‌عمومی رادیو صبا، امروز ۱۶ آبان مسابقه پرهیجان دوراهی رادیو صبا یک‌ساله می‌شود، به همین مناسبت جشنی با حضور پیشکسوتان رادیو در قالب ویژه‌برنامه برگزار می‌شود.

مهدی ساعی مدیر گروه مسابقات و تفریحات رادیو صبا، درباره این خبرگفت: دوراهی، مسابقه زنده تلفنی رادیو صباست که بر اساس مهارت‌های شغلی، فرهنگی، ورزشی و تخصص‌های افراد طراحی شده است. برخلاف اسم این برنامه که یادآور مسابقات سخت و تخصصی است، تمام افراد از هر قشر و با هر تخصصی می‌تواند در این مسابقه شرکت کنند.

مهدی ساعی افروزد: این مسابقه پرهیجان نزدیک به یک سال هر روز از شنبه تا چهارشنبه به صورت زنده همراه مخاطبان بوده است که راز ماندگاری آن در جدول پخش رادیوصبا را می‌توان استقبال شنوندگان و کیفیت این برنامه دانست.

ای تلویزیونی در گفت‌وگو با کارشناسان

ندانه و امیدبخش

نمایی از سریال نوبخ به کارگردانی سعید آقاخانی / عکس: روابط عمومی سریال

این موضوع اخیرا و با گفته‌های رئیس سازمان صداوسیما در بازدید پشت‌صحنه تعدادی از سریال‌های تلویزیون و روند تولید آنها بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. در بخشی از صحبت‌های دکتر جبلی که در گفت‌وگو با یکی از کارگردانان بیان شد، آمده است: «هنرمندان باید این توانایی را داشته باشند که وقتی موضوعی را در کارشان مطالبه‌گری می‌کنند در پایان هنرمندانه و درست ببندند تا امیدبخشی شکل بگیرد.»

انتشار این نظر در خبرها و فضای مجازی، بازخوردهای بسیاری داشته و درباره آن آرای مختلفی شکل گرفته است. در پی این تاکید و با محور قراردادن شیوه پایان‌بندی سریال‌های تلویزیونی با چند فیلمنامه‌نویس، تهیه‌کننده، منتقد و کارگردان گفت‌وگو کردیم و از راهی برای رفتن قصه‌ها به سمت سرانجام‌های منطقی پرسیدیم.

سریال افرا

تلخی را مطرح کرد اما به هیچ وجه ما سیاه نمایی نکردیم.

وی ادامه می‌دهد: وقتی ما در تلویزیون به سمت سیاه نمایی برویم، حتما مخاطب پس می‌زند. البته منظور در کارهای تلویزیونی است، چون بحث سینما جداست و مخاطب خودش انتخاب می‌کند. بنابراین ما از نقطه شروع فیلمنامه باید حواس‌مان باشد که کار به سمت سیاهی حرکت نکند. باید در پایان بندی سریال بحث امید را طرح کنیم. مردم نیاز به امید دارند و این اتفاق باید در آثار نمایشی در کنار مطالبه‌گری رخ بدهد.

این تهیه کننده، راهکار فرار از پایان‌بندی سیاه را در امیدآفرینی می‌داند و این طور ادامه‌می‌دهد: ما می‌توانیم دغدغه‌های مردم و مشکلات را طرح کنیم و برایش راه حلی هم ارائه بدهیم. چه اصراری است که در پایان بندی ناامیدی را تزریق کنیم. تفاوت و مرز میان سیاه نمایی و مطالبه گری در پایان سریال‌های تلویزیون امید و ناامیدی است. در قسمت‌های پایانی سریال دو تولد را نشان دادیم که یکی بچه مسعود بود و دیگری بچه وحید. تولد به نشانه تزریق امید بود.

دارابی اشاره می‌کند: همچنین حاج محمود قصه که در طول قصه آدم تلخی بود، اما آخر ماجرا دیدیم کارخانه به سمتی رفت که کارآفرینی برای جوانان کنند یا یکی از شکارچیان قصه تصمیم می‌گیرد محیط بان شود. این یعنی طرح مشکل و بعد پایان بندی منطقی و این‌که می‌توان مشکلات را درست حل کرد. به شرط آن‌که امید را از دست ندهیم و در لایه‌های متن وجود داشته باشد. اگر این گونه لحاظ کنیم حتما پایان بندی سریال‌ها از سیاه نمایی دور خواهد شد.

پایان‌بندی گاهی دست نویسنده نیست!

آنچه عموما به غلط در میان اذهان با عنوان پایان باز شناخته می‌شود، رهایی شخصیت‌ها و سرنوشت آنان بدون هیچ ظرافت هنری است که بیشتر نسبت به عدم‌مسوؤولیت‌پذیری صاحبان اثر شبهه ایجاد می‌کند. درواقع پایان باز هم تعریف خود را دارد و اگر به‌جا به کار رود، می‌تواند در تکمیل یک اثری هنری و دنیایی که ترسیم کرده است موفق باشد اما این نوع پایان با رهایی تفاوت دارد. از سوی دیگر پایان بسته هم به معنی سرانجام‌های اجباری و وصله‌شده به قصه نیست که مخاطبان را یاد قصه‌های کودکانه بیندازد یا به آنچه با عنوان «پایان‌های کلید اسرارطور» مشهور شده است، پهلو بزند. پایان بسته هم باید با دنبال کردن منطقی که جهان سریال از ابتدا برای خود تعریف کرده است، قرابت داشته باشد و ضمن آن بتواند بینندگان را غافلگیر کند.

شاید شما هم در خاطرتان نمونه‌هایی باشد که شخصیت اصلی در طول سریال به درهای بسته می‌زند یا در دام اعتیاد اسیر است اما یک‌باره در قسمت پایانی، همه عاقبت بخیر می‌شوند! مثلا قصه به سکانس عروسی یا زیارت ختم می‌شود و در نهایت راه برون‌رفت منطقی شخصیت‌ها از بحران، نمایش داده نمی‌شود و قصه ساده‌انگارانه به سر می‌رسد.

سعید جلالی، یکی از نویسندگانی است که در حوزه اجتماعی، سریال‌های بسیاری از جمله دردسرهای عظیم، دل‌نوازان، خوش‌نشین‌ها و زمانه را به نگارش درآورده است. وی درباره پایان‌بندی سریال‌ها بر این باور است: نویسنده تنها کسی نیست که در پایان‌بندی تصمیم‌گیرنده است. طبیعتا فیلمنامه گام به گام و مرحله به مرحله زیر نظر یک گروه و یک سیستم هدایت می‌شود، به‌خصوص پایان‌بندی سریال‌ها. این در صورتی است که نویسنده‌ها خیلی ایده‌آل فکر می‌کنند و بر اساس درام قصه را به سمتی می‌برند که جذاب تمام شود. اما سیاست‌های بالادستی گاهی تغییراتی ایجاد می‌کند.

وی همچنین عنوان می‌کند: پایان‌بندی‌هایی که نویسنده در آنها دخیل نیست، گاهی به دلیلی که گفتم غیرمنطقی جلوه می‌کند. یعنی طبق تعاریف شخصیت منفی باید به نتیجه اعمالش در پایان قصه برسد و تنبیه شود و شخصیت مثبت باید در پایان نجات پیدا کند که گاهی این موقعیت با درام در تضاد است. در صورتی که اغلب در واقعیت این اتفاق برای آدم‌های خوب و بد پیش نمی‌رود.

سریال زمانه

جلیلی در ادامه می‌افزاید: مدیران و ناظران کیفی جزو افرادی هستند که در پایان‌بندی سریال‌ها تغییراتی را مطابق با سیاست‌های سازمان ایجاد می‌کنند. یعنی پایان‌بندی باید به گونه‌ای باشد که پیامی به مخاطب منتقل شود. ولی گاهی هم برای نویسنده پیش می‌آید در طراحی ابتدایی که قصه شکل می‌گیرد، خود نویسنده طراحی جامع و کاملی برای داستانش ندارد. یعنی طرح نصفه و نیمه دارد و آن را شروع می‌کند و در میانه راه شخصیت‌ها روی دستش می‌ماند و قصه از مدار خودش و از دست نویسنده خارج می‌شود. بنابراین تکلیف مخاطب در پایان‌بندی مشخص نیست.

این نویسنده همچنین می‌گوید: یکی دیگر از مواردی که می‌تواند در پایان‌بندی ما تاثیرگذار باشد این است که نویسنده‌ها در جبهه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. یعنی پایان‌بندی سریال‌های تلویزیونی به یک‌گونه است، پایان‌بندی سریال‌های نمایش خانگی به گونه‌ای دیگر و اگر سینما باشد نویسنده به یک پایان‌بندی دیگر فکر می‌کند. یعنی هر کدام قاعده و قانون و ملاحظات خاص خودش را دارد. یعنی یک نویسنده قبل از این‌که به توانمندی خودش در درام‌نویسی و خلق موقعیت و پایان‌بندی فکر کند باید ابتدا به این فکر کند که در کدام موقعیتی کار می‌کند و بر اساس آن باید به پایان‌بندی سریال فکر کند. به همین دلیل پایان‌بندی سریال از دست نویسنده در می‌رود. به نوعی پایان‌بندی متعلق به نویسنده نیست و به همین دلیل انگیزه اش را از دست می‌دهد و به لحاظ عاطفی از فیلمنامه‌اش جدا می‌شود.

پیش به سوی امید

رفتن به سوی پایان‌بندی‌های هنرمندانه که ضمن گام برداشتن با اسلوب منطق، امیدبخشی و نشاط‌آفرینی را هم در نظر می‌گیرند، موضوعی است که بارها به آن تاکید شده است، این نکته را با **حسین سلطان‌محمدی**، منتقد سینما و تلویزیون در میان گذاشتیم. او در این‌باره بیان می‌کند: انسان همیشه رو به جلو و در حال پیشرفت و آرمانخواه و امیدوار است. امید به مرحله‌ای بهتر و حتی در اصول دین داریم که کسی نباید از رحمت خداوند مایوس باشد. یعنی باز هم به رجا و امید اشاره می‌کند. یعنی فکر نکنید که تنها هستید. به عنوان مثال در یکی از سریال‌ها می‌بینیم شخصیتی که می‌خواهد بادیگارد شود و از سربازی آمده و دستش به جایی بند نیست، می‌خواهد یکشبه ره صد ساله را برود، در داستان او را وارد باند فساد می‌کنیم. حال اگر در قسمت آخر بگوییم آن پسر متنبه شد و زندگی‌اش سامان گرفت این اسمش نشاط‌آفرینی نیست. باید در داستان شخصیت دچار مشکل شود، به مرحله شادی هم برسد و همه چیز را تلفیقی نگاه کنیم.

سلطان‌محمدی در ادامه با ذکر مثالی می‌افزاید: ما وقتی در خیابان به آشنایی می‌رسیم با شادی و روی خوش احوالپرسی می‌کنیم. اگر در خانه هم غم و غصه داریم، شادی هم در کنارش داریم. یعنی همیشه با امید زندگی می‌کنیم. داستان‌های ما نیاز دارد این نکته را اثبات کند که در یک جامعه جمعی هستیم. اگر من نوعی پدر یا مادرم را از دست دادم، دچار کمبود عاطفی هستم. اما در زندگی عادی می‌بینیم همه اینها را می‌توانیم به طریقی مدیریت کنیم. اگر من دچار مشکل اقتصادی هستم، منطقی برخورد می‌کنیم که برای به دست آوردن هر چیزی باید تلاش کنیم. مثل شعارهایی نیست که در خیلی از داستان‌ها می‌بینیم که یکباره یک مبلغ هنگفتی به دست شخصیت داستان می‌رسد. در دنیای واقعی نمی‌توان یکشبه ره صدساله رفت. ما معمولا در محله‌هایی زندگی می‌کنیم که به لحاظ مالی و طبقه اجتماعی تقریبا در یک سطح هستیم. اما در برخی داستان‌ها می‌بینیم اصلا این‌گونه نیست و یک نفر به لحاظ مالی متمول است و همسایه او زندگی کاملا معمولی دارد. به همین علت چنین داستانی منطق ندارد. چون کسی که متمول است قطعا در جغرافیای مرکزی جامعه زندگی نمی‌کند. پس داستان باید منطق داشته باشد.

سلطان‌محمدی همچنین ادامه می‌دهد: در داستان باید جامعه را به هم پیوسته ببینیم که هر کسی در این جمع وظیفه‌ای دارد. این مسوولیت و این داستان و این مقابله با ناهنجاری و شکست و کاستی در زندگی جمعی حرکت می‌کند. به عنوان مثال وقتی من را از شغلم اخراج کنند که دستم بسته نمی‌شود. شغل دیگری پیدا می‌کنم. یکباره جهش غیرمنطقی در ذهنمان که ایجاد نمی‌شود. ما باید مفاهیم مهم را در داستان بگنجانیم. نمی‌شود یک سریال از ابتدا تا انتها مدام غصه و سیاهی و تاریکی باشد و در تماشای یک سریال دیگر از ابتدا تا انتها مدام بخندیم. خیلی نباید این چیزها را فانتزی دید. فیلمنامه باید حس واقعیت را به مخاطب بدهد. در برخی سریال‌ها نه آدم متمول منطق دارد و مشخص نیست ثروتش را از کجا به دست آورده و نه آدمی که در پایین شهر زندگی می‌کند و مشکلات مالی دارد شیوه زندگی‌اش منطقی است.

سریال نون خ

وی باز هم مثالی عنوان می‌کند و می‌گوید: در برخی سریال‌ها آدم‌ها نه خانواده دارند و نه فامیل و همسایه. به عنوان مثال در یک سریال دیدم که طرف با چرخ می‌آمد و زباله‌ها را جمع می‌کرد. خب این اصلا منطقی نیست. الان کسی این‌گونه زباله‌ها را نمی‌برد. سر هر خیابان، یک سطل زباله هست. پس اگر داستان می‌خواهد مدیریت کند و من را حرکت بدهد، باید من را جامع ببیند. نه صد درصد به من غصه تزریق کند و نه شادی تخیلی داشته باشد. ما باید بپذیریم در هر وضعیتی اولا یک خدایی داریم که در همه احوال در کنار ماست. همین که می‌گوید از رحمت من مایوس نشوید، باید این را به خورد جامعه بدهیم و بگوییم مایوس نباشید. اما در سریال‌ها یا مدام اخم و غصه و فریاد می‌بینیم و در سریال دیگر اتفاق برعکس می‌افتد. بعضی سریال‌های طنز به قدری سروصدا دارد که صدا به صدا نمی‌رسد و در یک سریال حتی رسیدن مادر و فرزند با غم است. چه اصراری است که داستان را این‌گونه بسازند.

سلطان‌محمدی در پایان هم می‌گوید: ما اصلا حضور خدا را در برخی سریال‌ها نشان نمی‌دهیم.

سلطان‌محمدی:
همیشه با امید زندگی می‌کنیم. داستان‌های ما نیاز دارد این نکته را اثبات کند که در یک جامعه جمعی هستیم. اگر من نوعی پدر یا مادرم را از دست دادم، دچار کمبود عاطفی هستم. اما در زندگی عادی می‌بینیم همه اینها را می‌توانیم به طریقی مدیریت کنیم

گفت‌وگو

با فریبا طاهری، مجری مدرسه تلویزیونی ایران

استقبال بچه‌ها بی‌نظیر است

از اوایل اسفند سال ۹۸ و همزمان با شیوع بیماری کرونا و تعطیلی مدارس، شبکه آموزش برای مقاطع تحصیلی مختلف از ابتدایی تا متوسطه و همچنین برای همه رشته‌ها، مدرسه تلویزیونی با هدف فرصت برابر را تاسیس کرد. این برنامه‌های آموزشی از آن زمان تا امروز از ساعات اولیه صبح تا عصر در فواصل زمانی مختلف و دو نوبت صبح و عصر روی آنتن شبکه می‌رود. به همین مناسبت با فریبا طاهری، مجری مدرسه تلویزیونی ایران گفت‌وگویی داشتیم.

تفاوت مدرسه تلویزیونی با بقیه مدرسه‌ها را در چه می‌دانید؟

تفاوت اصلی در این است که مدرسه‌های ما در تهران و شهرستان‌ها نهایتا هر کلاس ۳۵ تا ۴۰ دانش‌آموز دارند اما مدرسه تلویزیونی ایران به وسعت تمام ایران دانش‌آموز دارد از شمال و جنوب گرفته تا شرق و غرب.... و نکته قابل‌توجه این است که خوبی مدرسه تلویزیونی ایران در ایجاد فرصت برابر و یکسانی است که برای همه دانش‌آموزان به وجود آورده‌است. به عبارتی برای هر درس یک معلم واحد و یکسان با یک روش و متد تدریس مشخص برای همه دانش‌آموزان در هر جای ایران که می‌توانند از آموزش‌های مدرسه تلویزیونی ایران استفاده کنند، دیده شده است.

آموزش‌های مدرسه تلویزیونی برای بزرگ‌ترها یا حتی معلمان دیگر هم فایده‌ای داشته یا تنها برای دانش‌آموزان موثر بوده‌است؟

با توجه به تجربه ۱۹ ماهه‌ای که در این برنامه کسب کردم به طور قطع می‌توانم بگویم این برنامه موجب بالا بردن سطح علم همه سنین شده‌است، از کودک خردسال گرفته تا افراد میانسال و .... این را ما در پیام‌های مخاطبان دریافت می‌کنیم. در یکی از پیام‌ها داشتیم که خانمی ۶۰ساله گفته بود چون علاقه به تاریخ دارد، درس تاریخ را با تدریس آقای طهماسبی دنبال می‌کند، یا این‌که ما روزانه پیام‌های زیادی داریم از معلم‌های نهضت یا معلم‌هایی که در شهرستان‌ها کلاس‌های ضمن خدمت نرفته‌اند اما خدا را شکر برنامه را می‌بینند و روش‌های تدریس جدید را یاد می‌گیرند. البته ناگفته نماند یکی از محاسن این برنامه این است که جدا از کلاس‌های آموزشی برای دانش‌آموزان، پدر و مادری که در منزل هستند از تمام جزئیات کلاس درس بچه‌هایشان مطلع می‌شوند و می‌دانند معلم به چه روشی تدریس می‌کند و حتی تکلیف در منزل چیست و نکته مهم‌تر یادگیری همزمان مادر یا پدر در کنار دانش‌آموز است که اگر جایی را متوجه نشد بتوانند کمک کنند و برای فرزندشان رفع اشکال کنند.

در مدرسه تلویزیونی چگونه با دانش‌آموزان در تعامل هستید؟

ارتباطی دوسویه و دوطرفه بین ما و دانش‌آموزان برقرار است. بنده و دیگر مجریان، ابتدای هر زنگ شماره پیامک برنامه را اعلام می‌کنیم و از بچه‌ها می‌خواهیم درس را با دقت تمام گوش کنند و هر سوالی که برایشان حین تدریس پیش می‌آید برای ما ارسال کنند. ما هم چهار تا پنج دقیقه پایان هر کلاس را به پاسخ دادن سوالات بچه‌ها اختصاص می‌دهیم که خدا را شکر تا به امروز بازخورد بسیار خوبی دریافت کردیم و استقبال بچه‌ها بی‌نظیر بوده‌است.

آینده برنامه را چطور می‌بینید؟

به نظر من حتی دوران پسا کرونا این برنامه باید به طور مستمر ادامه داشته‌باشد. نخست این‌که آموزش مجازی برای خانواده‌ها جا افتاده و رسانه هم مکمل آموزش‌های حضوری شده‌است که تاثیری به‌سزا در بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان و خانواده‌ها داشته‌است و به راحتی تلویزیون جای معلم خصوصی را توانسته برای بچه‌ها و خانواده‌ها پر کند و اگر دانش‌آموزی موفق به دیدن برنامه نشده‌باشد یا حتی تداخلی با کلاس‌های مدرسه خود داشته‌باشد می‌تواند از سایت آرشیو صدا و سیما تلوبیون برنامه‌ها را دنبال کند.

درخشش «ستاره‌ها» در آسمان شبکه قرآن

این هفته برنامه «ستاره‌ها» با حضور قاریان و حافظان قرآن کریم، روزهای فرد روی آنتن شبکه قرآن و معارف سیما می‌رود.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، برنامه ستاره‌ها با حضور نخبگان قرآنی، گفت‌وگویی متفاوت و جذاب را با حافظان و قاریان کلام وحی رقم می‌زند.

مهمانان برنامه ستاره‌ها امروز ۱۶ آبان، محمدحسین شکریان از قاریان و حافظان قرآن کریم از استان البرز، روز سه‌شنبه ۱۸ آبان، زهرا قربانی از نخبه‌ها و حافظان استان اصفهان خواهد بود.

همچنین پنجشنبه ۲۰ آبان ساعت ۲۲ گفت‌وگو و مستند زندگی علیرضا زاده‌جویباری از استان قم که حافظ کل قرآن کریم، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه است، تقدیم مخاطبان می‌شود.

ستاره‌ها به معرفی حافظان، قاریان و نخبگان قرآن کریم که در مشاغل و حرفه خود نیز جزو برترین‌ها به حساب می‌آیند، می‌پردازد.

مستند زندگی مهمانان برنامه نیز از دیگر بخش‌های جذاب ستاره‌های قرآنی است که در آن سعی شده است برشی از زندگی آنها در این برنامه را به نمایش در آورد.

حافظان و قاریانی که از سراسر کشور در این برنامه حضور پیدا می‌کنند، علاوه بر موفقیت در فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی، در جنبه‌های دیگر زندگی شخصی خود ازجمله تحصیلات، ورزش، شغل و فعالیت‌های اجتماعی هم از جایگاه قابل توجهی برخوردار هستند.

ستاره‌ها کاری از گروه کودک و نوجوان شبکه قرآن و معارف سیماست که با اجرای محسن قره‌شیخ‌لو و خانم شکیبایی، روزهای فرد ساعت ۲۲ از شبکه قرآن و معارف سیما پخش می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند فایل این برنامه‌ها را از پایگاه اطلاع‌رسانی این شبکه به آدرس www.qurantv.ir دریافت کنند.